

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

سیدهاشم سدید

۱۳ جولای ۲۰۱۵

پاسخ به مقاله "نویسنده پرنویس ... " جناب محترم هاشمیان صاحب! بخش دوم

قصه نداشتم سلسله "پاسخ به مقاله نویسنده پرنویس..." را، باوجودی که در پایان آن نوشته وعده ادامه آن را داده بودم، پی بگیرم، اما نوشته اخیر شما، آقای هاشمیان، در دریچه نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین و این اشاره تان: "درمقاله ام بعنوان جناب پوهاند صاحب دودبال، در سطر دوم، "همکاران دانشمندان" چاپ شده - این یک غلط فاحش دستوری است که بعضی همکاران شما شاید دو صفحه بالای آن پرنویسی کنند- من درمقاله خود "همکاران دانشمندان" نوشته بودم." مرا بر آن داشت تا نه تنها قسمت دوم مقاله مزبور را به تحریر دربیآورم، که اگر ضرورت شد، قسمت های دیگر را نیز بر آن بیفزایم؛ ولی پیش از این که به بررسی مطالب اصلی قابل ملاحظه مقاله تان مشغول شوم، می خواهم بدانم که آیا ادعای تان مبنی بر این که "همکاران دانشمندان" شما بعد از ارسال به پورتال "افغان جرمن آنلاین" دیگرگون شده است، یا شما، بعد از یک خطای فاحش، که مسلماً آخرین خطای فاحش از جانب شما "عالم بزرگ" نخواهد بود، آن را همانطور که به چاپ رسیده نوشته و به پورتال مذکور ارسال نموده بودید؟

سه نکته برای پیدا کردن پاسخ برای این ادعا می تواند قابل تأمل (اندیشه کردن - اندیشیدن حکم کردن نیست؛ آقای هاشمیان!) قرار گیرد:

۱- آقای هاشمیان، برای این که مورد انتقاد آنانی که آشنائی کامل به دانش و آثار ادبی دارند، به شمول کسانی که دستور زبان را به خوبی می دانند، قرار نگیرند، به ویژه با آن همه داعیه های بزرگ و لاف از دانش و ادب و زبان و هنر نویسندگی و...، می خواهند، وقتی می بینند چه خطائی از ایشان سر زده است، خلاف ادب و اخلاق و شهامت یک انسان کامل، این خطا را از گردن خود ساقط کرده به گردن پورتال "افغان جرمن آنلاین" بیندازند.

۲- اگر این طور نیست، و واقعاً چنین اشتباهی را پورتال "افغان جرمن آنلاین" مرتکب شده است و "همکاران دانشمندان" آقای هاشمیان را "همکاران دانشمندان" نوشته و چاپ کرده، باید دیده شود که چرا پورتال "افغان جرمن آنلاین" دست به چنین کاری که آقای هاشمیان آن را "غلط فاحش" نامیده است، زده است؟ آیا پورتال "افغان جرمن آنلاین" با آقای هاشمیان خصومت دارد و می خواهد با وارد کردن اغلاط در نوشته های ایشان، ایشان را یک انسان بی سواد معرفی نموده به شهرت شان لطمه وارد کند؛ یا کسانی که در این پورتال به ویراستاری نوشته ها موظف هستند، از دستور زبان و از فن و اهمیت ویراستاری آگاهی کافی ندارند؛ و یا بی توجهی به وظیفه - کار ویراستاری را جدی نگرفتن است که - سبب به وجود آمدن این "نقیصه" و این "گوشزد" محتاطانه، خلاف عادت همیشگی آقای هاشمیان، گردیده است؟ اگر دلیل دیگری باشد، شنیدن آن ما را مشغوف خواهد ساخت!

فهم این بنده نوعی، و خیلی از انسان های مانند من، از دستور زبان در آن حد نیست، که ثابت کنیم کدام یک، "همکاران دانشمند" آقای هاشمیان، یا "همکاران دانشمندان" پورتال افغان جرمن، از نظر دستور زبان درست است؛ بناءً فکر می کنم ضروری و بهتر باشد پورتال اصل قضیه را برای خوانندگان خویش توضیح کند.

این اشتباه، حرف "د" نیست که بعد از "ن"ی در کلمه ای "بودن" فراموش نویسنده شده باشد؛ اشتباهی که هر ابجد خوانی متوجه آن، به عنوان یک لغزش غیر عمدی نویسنده می شود و آن را همچو انسانان بی مایه جدی نمی گیرند، بلکه همانطور که آقای هاشمیان، این معلم اول دوران، نوشته اند یک غلط فاحش، یعنی قبیح [دستوری] است - با توجه به کار ویراستار که تنها تصحیح لغزش های قلم و اشتباهات در تحریر است، نه افزودن بر اغلاط یا کسی را در غلط انداختن یا به غلط نسبت دادن که می تواند به حیثیت و آبروی یک انسان، آنهم انسانی صاحب نام و نشانی، مانند آقای هاشمیان بر بخورد!!

۳- چون نوشته هائی که در پایگاه های انترنتی به نشر می رسند، مانند نوشته ها در مطابع برای آماده ساختن برای چاپ به دست حروف چین ها داده نمی شود که اشتباه را به گردن حروف چین ها بیندازیم، وقتی آقای هاشمیان و پورتال "افغان جرمن آنلاین"، هیچ کدام، در این کار تقصیر نداشته باشند، راه دیگری باقی نمی ماند غیر از این که بگوئیم دست "موجودات نامرئی نیک و بد" در این کار دخیل بوده است.

از آنجائی که موجودات نامرئی ملکوتی، با توجه به رابطه بسیار اخلاص مندانه و محکم و نزدیک آقای هاشمیان با ملا محمد عمر مجاهد، کسی که پیروانش به خاطر رضای خدا و پیامبر و احیای اسلام راستین، هر روز هزارها "دشمن دین و خدا" را به فجیع ترین شکل در کشور غیراسلامی افغانستان به قتل می رسانند، غیر از آموزش قرآن و دین محمدی هیچ گونه آموزش و دینی را به رسمیت نمی شناسند و خاطی و متمرّد را به نام دین و خدا به اسفل السافلین می فرستند و زن را مطابق فرمان خدا و دین در کفن سیه پیچیده در گوری به نام خانه، تنها برای آوردن "کلمه گوی" و پختن و روفتن مدفون می سازد، و آموزشگاه ها را به نام مراکز ترویج کفر و الحاد می بندد و شعر و ادب و هنر را به تبع از احکام دین معدوم می سازد، **اطاعت محص از اوامر الهی**، نمی توان انتظاری چنین کاری را در مورد آقای هاشمیان، این پیرو سرسخت رهبرفدائیان راستین راه اسلام، داشت! بنابراین، این کار باید کار شیطان لعین و ارواح خبیثه باشد، که همیشه در صدد تخریب و بدنامی مسلمانان راست کردار و راست پندار و راست گفتار، و نیکان و پاکان، و دوستان خدا، چون آقای هاشمیان و ملا محمد عمر مجاهد و کسانی مانند سیاستمداران "مسلمان و تسبیح به دست" موجود در افغانستان و ایران و عربستان و پاکستان و روحانیون نمک به حلال شان هستند! شک نکنید! وقتی شیطان می تواند در کار پیامبران خلل وارد کند، در کار کسانی مانند پیروان پیروان پیامبران که بی هیچ تردیدی می تواند تفرق و تباهی به بار بیاورد!!

با این هم آرزو داریم این معما را رب العالمین، به روی حضرت ملا محمد عمر آخوند، پیشوای بزرگ آقای هاشمیان، حل کند!

از اینجا می پردازم به کند و کاو برخی از نقاط قابل بحث باقی نوشته مقاله "نویسنده پرنویس ... " آقای هاشمیان:

آقای هاشمیان! نویسنده "پرنویس" هیچ وقت به این موضوع که در کجا یک حرف زیاد و کم نوشته شده، یا چه وقت یک نویسنده یک حرف را فراموش کرده است، و یا یک کلمه یا لغت غلط یا اشتباه به کار رفته است، خرده نگرفته است و در آینده هم به کسی عیب نمی گیرد. از شما، برای مثال، یا هر انسان دیگری، تقاضا دارم تنها یک مورد را که نمایانگر این چنین کاری از جانب من بوده باشد، به من و به خوانندگان نوشته های من و نوشته های خویش نشان بدهید، تا دروغ گو نزد خدا و خلق خدا سیه رو گردد؛ من باشم یا شما!

علاوه بر این که من هیچ گاهی به چنین کاری دست نزده ام، در طول حداقل یک دهه گذشته چندین بار به طور واضح در نوشته هایم، خطاب به همه، خواهش کرده ام که پشت اشتباهاتی که می توانند دلایلی غیر از بی سوادی داشته باشد، نگردید! حتی اگر کلمه ای در جمله مفقود باشد، کوشش کنید آن را از سیاق جمله پیدا کنید. انسان خالی از سهو و خطا نیست. سهو و خطا را حمل بر بی سوادی نکنید! کوشش کنید اشتباهات را، اگر از روی سهو و خطا نباشد، به مانند یک معلم با حوصله و نیک اندیش و خوش قلب و وظیفه شناس برای اصلاح نویسنده توضیح کنید؛ نه برای تحقیر نویسنده و برای نشان دادن فهم بلند و آگاهی بی مرخویش!

کار ویراستار، جدا از کار خواننده است. هیچ انسانی را شما نمی توانید پیدا کنید، حتی بهترین ویراستاران را، که گاهی لفظ یا کلامی از پیش شان بدون تصحیح نگذشته باشد. کار منتقد پرداختن به جنبه های مثبت و منفی و مهم یک اثر با ارائه دلیل و مدرک است، نه تنها بدگویی و عیب گرفتن!

نوشته های من همیشه دارای اغلاط املائی، نشانه گذاری و دستوری هستند؛ زیرا در وقت نوشتن، صرف نظر از دلیلی که چندی پیش بیان داشتم، من بیشتر روی مضمون و محتوای نوشته تمرکز می کنم، تا روی الفاظ و حروف و املأ. ولی فرق "بودن" - مصدر- و ماضی فعل سوم شخص جمع، "بودند" را، فکر نکنم که ندانم!

شما فکر می کنید که من فرق "بودن" و "بودند"، و مورد استعمال آن ها را نمی دانم؟ چنین تصویری واقعاً بسیار بسیار کودکانه است! دلم واقعاً برای تان می سوزد!

در سطر سوم از طرف پائین، صفحه اول نوشته "نویسنده پرنویس، جناب محترم آقای سدید" شما "بودند" را در کنار "بودن"، چیزی که اشتباهی غیر عمدی از من بوده است، برای این که کم سوادی مرا، همچون یک انسان کوتاه نظر، به دیگران نشان بدهید، به پندار خودتان، در داخل قوسین اضافه کرده اید! چنین کاری ظرفیت بسیار محدود علمی، فقدان عقل سلیم و کوچک بودن روح شما را نشان می دهد. شما نمی دانید که با این کارتان چه قدر خود را در انظار ارباب دانش و اهل علم و انسان های فاضل و جلیل و کامل، که گوئی هیچ خطائی را نمی بینند، حقیر جلوه داده اید! شما حتی به این وجیزه که "عاقلان پی نقطه نگردند"، هم اعتنا نمی کنید؛ چون از عقل محروم هستید!

چه چیزهایی شما را شاد می سازد و به چه چیز ها شما، برای این که بزرگی و علم و دانش توهمی (hallucinatory) خود را بر رخ مردم بکشید، متوسل می شوید!

آقای هاشمیان! با اطمینان به شما می گویم که شما هم به بزرگی، هم به علم، و هم به توانائی های خود شک دارید! این موضوع از روی نوشته های شما فهمیده می شود. آسوده خاطر باشید این شک شما بی جا نیست!! هر انسان در یک مورد بالاخره می تواند محق باشد!

این کار شما، ایراد گرفتن به یک "د" که از قلم افتاده است، مرا به یاد یک کارتون انداخت که مردی قوی هیکلی را با تفنگی بزرگی نشان می داد که خرگوش کوچک و نحیفی را شکار نموده بود و با تبختر، تفنگ به دست و لبخندی از غرور بر لب، در حالی که پای چپش را روی شکم خرگوش مرده گذاشته و سینه تخینش را پیش کشیده بود، در مقابل کمره عکاس پز گرفته بود.

"بودن"ی بیچاره بدون "د" من، همان خرگوش عاجز و بینوا است، که شما، شکارچی مغرور، ولی نابالغ از لحاظ بلند طبعی و همت و سف نفوس، با نود کیلو وزن روی دم آن پا گذاشته اید!

نوشته می کنید: "این یک غلط فاحش دستوری است که بعضی همکاران شما شاید دو صفحه بالای آن پرنویسی کنند..." اشتباه و تمیز (فراست و بصیرت) شما در همین است که پرنویس ها را مانند خود کوچک و اندک بین و دون همت فکر می کنید!

تکرار می کنم: اگر یک مورد چنین کاری را که شما کرده اید و می کنید، در نوشته های من پیدا کردید، من حاضر از روزی که اولین بار - چهار سال قبل - از یکی از نوشته های تان نقد کردم و شما چون جواب نداشتید راه گریز را پیش گرفتید، تا امروز، همه حرف هایم را پس بگیرم و در آینده هم در برابر شما یک حرف بر زبان نیاورم! کوشش کنید که خود را بشناسید و بیشتر از این خویش را در انتظار مردم دانا، خُرد و بی اعتبار نسازید!

قابل تعجب است که چنین مطلبی را که من به صراحت در سطر یازدهم صفحه پنج مقاله "پاسخی خدمت جناب محترم قیس کبیر" بیان داشته ام: "زیرا من عادت ندارم که کلمه ها و جملات را (اصلاحات املائی) اصلاح کنم..."، آقای هاشمیان قطعاً نمی بینند، ولی چیزی را که اصلاً از جانب من در آن نوشته یاد نشده است، از شکمبه خود تنها برای این که خواسته باشند به زعم خود حکم دروغ گوئی مرا صادر کنند، نوشته اند. مثلاً در صفحه اول مقاله خویش که می نویسند:

"آقای سدید در مقاله هشت صفحه بی مورخ [مؤرخ] ۲۲ جون خود بعنوان [به عنوان] "پاسخی خدمت جناب محترم قیس کبیر" در حالیکه رخ صحبت او جانب انجینر صاحب قیس کبیر بود، باز هم به ارتباط یک اعلامیه چهار سال قبل منتشره در وبسایت (آزاد افغانستان - افغانستان آزاد) که هاشمیان از آن هیچ اطلاع نیافته و نداشته، او را مورد انتقاد قرار داده..."

من با احترام تمام از همه خوانندگان محترم این نوشته تمنا می کنم که یک بار سری به مقاله "پاسخی خدمت جناب قیس کبیر" بزنند و ببینند که آیا آنچه آقای هاشمیان می گویند صحت دارد؛ یا خیر!

اگر خوانندگان محترم نامی از آقای هاشمیان را در آن مقاله یافتند، یا من اشاره ای به ایشان در آن مقاله نموده باشم، به من بنویسند: "بلی، ما چنین چیزی را در آن مقاله دیدیم!"

اگر چنین بود، من قول می دهم که دیگر دست به قلم نبرم! آقای هاشمیان، باتأسف، عادت دارند که چشم های شان را ببندند و دهن شان را تا آنجا که توان دارند باز کنند! و منفعل هم نمی شوند، اگر دروغ شان را بر رخ شان بکشید! چرا؟ چون انسانی که زیاد دروغ بگوید، در برابر هر سرزنش، ملامت، شماتت، طعنه، عیبجویی و انتقاد معافیت پیدا می کند!

در بند بعد از بند بالا نوشته می کنند که شما آقای انصاری را "دورو" خطاب نموده اید. فکر می کنم آقای هاشمیان به سنی رسیده اند که از دریافت معنی یک جمله دو - دونیم سطری هم عاجز شده اند. من آنچه را که ایشان بدان اشاره داشته اند در اینجا نقل می کنم، و از خوانندگان محترم خواهش می کنم که ببینند در کجای این جمله من آقای انصاری را دورو خطاب نموده ام. این شما و این هم آن نوشته:

"اگر اعتراضی دارم، به دورویی های میرهنی دارم که به وضوح دیده شده است و دیده می شود. و خیلی ها، از جمله جناب داکتر صاحب انصاری، یا آن را نمی بینند، یا نمی خواهند آن را ببینند..."

مخاطب جمله اول خود آقای هاشمیان است. اگر نوشته های مرا عنوان جناب داکتر صاحب انصاری مطالعه کنید، درخواهید یافت که در هر نوشته ای من از ایشان گله نموده ام که چرا به علت روان شناختی امتناع آقای هاشمیان از همکاری در همین پروژه که فراخوان آن در آن زمان از سوی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" داده شده بود، نمی پردازند. تقاضای من از داکتر صاحب انصاری این بود که این دورویی را که از سوی آقای هاشمیان - موقف آن زمان و امروز شان - ببینند. من دورویی را در وجود شما، آقای هاشمیان سراغ نموده ام. کار داکتر صاحب انصاری، نظر به تقاضای من، تنها دیدن و بیان کردن علل این دورویی است!

آقای هاشمیان، اگر با این حرف من - سن بالای شان سبب شده تا از درک درست یک یا دو جمله عاجز باشند - موافق نیستند و مصرانه می گویند که "اما کله ام درست کار می کند"، پس غرض شان از نسبت دادن دورویی به داکتر صاحب انصاری از جانب من، باید این بوده باشد که من و آقای انصاری را به هم ببندازند؛ که انداختند!

شاید پرسید که چرا من شما را دورو خطاب می کنم؟ برای این که شما در این مورد خاص (امتناع آن روز و فراخوان امروز، خصوصاً وقتی می گوئید من آن فراخوان را نخوانده ام، باوجودی که از صبح تا آخر شب پشت کمپیوتر هستید و از این وبسایت به آن وبسایت می روید) مکنونات قلبی خویش را که همانا رسیدن به جاه طلبی های شماسست پنهان می کنید! و این کار دورویی چه که حتی منافقت است - شما که خود را مسلمان می دانید باید این موضوع را بهتر از ما بدانید؛ همچنان حکم خدا و پیامبر را در خصوص منافقان!

ادامه دارد

۲۰۱۵/۰۷/۱۲